

# رویکردی تحلیلی به شناخت مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران\* مورد مطالعه: شهر مشهد

دکتر عمید الاسلام ثقه الاسلامی\*\*<sup>۱</sup>، دکتر بهناز امین زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup> دانشیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۸/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۶/۷)

## چکیده:

تحقیق حاضر در جستجوی شناخت ذهنیت مردم از مفهوم محله و ویژگی های آن و قیاس آن با تعریفی از محله است که در حرفه شهرسازی معاصر کشور رواج دارد. تفاوت اساسی و بنیادی بین این دو، یعنی نگاه متخصصین و دست اندرکاران به محله که آن را یک ساختار فضایی سازمان دهنده شهر و سلولی نظم دهنده می بیند و ذهنیت ساکنین محله که آن را طرح واژه ای اجتماعی/مکانی می داند، فرضیه اصلی تحقیق را تشکیل می دهد. روش تحقیق به صورت استقرایی، تحلیلی و پیمایشی است. نمونه های مورد مطالعه شامل ۶ محله از طرح تفصیلی شهر مشهد می باشد. تنوع نمونه ها امکان تحلیل در انواع بافتهای شهری و تعمیم پذیری تحقیق را فراهم کرده است. نتایج نشان دهنده تفاوت های مشخصی بین مفهوم محله و ویژگیهای آن از جمله شناسه مکانی، اندازه، قلمرو، و مرکزیت محله از نظر ساکنین و تهیه کنندگان طرح هاست. به لحاظ روش شناختی، تحقیق با استفاده از دو روش ترسیم نقشه های شناختی و پرسشنامه امکان تحلیل های عمیق تری را نسبت به مطالعات پیشین فراهم کرده است. مقاله با توصیه هایی در مورد چگونگی تأکید بر نقش و جایگاه محله در طرح های شهری خاتمه می یابد.

## واژه های کلیدی:

محله، ساختار اجتماعی، ادراک مردم، طرح های تفصیلی شهری.

\* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکترای شهرسازی نگارنده اول تحت عنوان "رویکردی تحلیلی به مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران" است که به راهنمایی نگارنده دوم در شهریور ماه ۱۳۸۷ در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران به انجام رسیده است.

\*\* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۵۱۱۸۴۳۱۶۵۷، نمابر: ۰۵۱۱۶۶۴۱۲۶۲، E-mail: saghatoleslami@mshdiau.ac.ir

## مقدمه

مکان پیش بینی شده شکل نمی گیرد.

**عدم تعریف صحیح و هماهنگ از مفهوم محله بین شهرداری‌ها، سازمان‌های دست‌اندرکار امور شهری و مردم:** شهرداری‌ها طبق قانون تشکیل شوراهای اسلامی موظف به محله بندی، ناحیه بند یا منطقه بندی شهرها برای توزیع مناسب خدمات رسانی هستند ولی در بیشتر موارد این تقسیمات یا تقسیم بندی طرح‌های توسعه شهری و تقسیم بندی ادارات و نهادهای دیگر دست‌اندرکار امور توسعه شهری منطبق نیست. از طرف دیگر تعاریف نهادها و سازمان‌ها از محله نیز با تعریفی که مردم از محلات دارند قابل سوال و بررسی است. مشکل اخیر عامل مهمی است که باعث تشتت آراء در تعریف محله شده است. تعاریف مختلف محله از نظر متخصصین که به صورت عملی در طرح‌های توسعه شهری مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز به ابهام‌ها می‌افزاید. بررسی مفهوم محله در منابع تخصصی نشان‌دهنده سه نگرش متفاوت زیر است:

**محله به عنوان واحدی اجتماعی:** در این دیدگاه با تاکید بر مفاهیم اجتماعی، محله قلمرویی است که با مجموعه‌ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی تعریف می‌شود. محله فرم اولیه سازمان اجتماعی است و افرادی را شامل می‌گردد که دارای ریشه، تاریخ و ارزش‌های فرهنگی مشترک می‌باشند (اشرف، ۱۳۵۲: Alexander, 1965).

**محله به عنوان واحدی کالبدی- فضایی:** در این دیدگاه با تاکید بر مفاهیم فضایی، محله قلمرویی است متشکل از عناصر کالبدی مختلف که سکونت و مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط در فضاهای آن اتفاق می‌افتد، مانند قلمرویی فضایی با فرم کالبدی یا یک کاربری خاص. چنین تعریفی از محله در طرح‌های توسعه شهری رواج زیادی دارد (دلایل پور محمدی، ۱۳۷۷؛ زیاری، ۱۳۸۱؛ سعید نیا، ۱۳۸۵؛ Perry, 1929).

**محله به عنوان واحدی اجتماعی- کالبدی- فضایی:** در این نگرش جنبه‌های اجتماعی و کالبدی- فضایی محله توأمان در تعریف محله نقش دارند (سلطان زاده، ۱۳۶۷؛ توسلی، ۱۳۷۶؛ Lee, 1968).

مطالعاتی که در کشورهای غربی انجام شده نشان می‌دهد که تعریف مردم از محله متفاوت از تعریفی است که نهادها و سازمان‌های مختلف شهری از محله دارند (Coulton et al., 2001). عدم تطابق در تعریف محله از نظر ساکنین و برنامه ریزان و طراحان شهری باعث مشکلاتی در استفاده از خدمات شهری و عدم شکل‌گیری بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌ها در مقیاس محلات شهری می‌شود. بررسی ادبیات موضوعی مربوط به محله در ایران نشان می‌دهد که موضوع ادراک مردم از محله چندان مورد توجه نبوده است و بنابراین ضرورت تحقیق پیرامون مفهوم

پیدایش مفهومی چون محله، ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی آنها دارد. محله قلمرویی برای زندگی یک گروه است که دربرگیرنده مفاهیمی ارزشمند از زندگی اجتماعی است. در تاریخ شهرهای ایران، محله به عنوان واحد پایه‌ای از سازمان کالبدی، آنچنان تأثیری در شکل‌گیری شهر داشته که شهرها براساس وجود محله‌ها تعریف می‌شده‌اند. وحدت و همبستگی اجتماعی که به علت عوامل مختلفی مانند دین، پیوندهای قبیله‌ای و خویشاوندی، زبان، نوع کار، اشتغال و فعالیت و غیره ایجاد می‌گردید، نقش اصلی را در شکل‌گیری مفهوم محله، عینیت بخشیدن به آن و تجلی کالبدی آن داشته است (سلطان زاده، ۱۳۶۷؛ توسلی، ۱۳۷۶؛ حبیبی، ۱۳۸۰). محله‌های مسکونی، بلوک‌های ساختمانی شکل‌دهنده به شهر و نظم‌دهنده ساختار فضایی شهر ایرانی و از اجزاء اصلی آن به شمار می‌رفته است. با تحولاتی که در نظام اجتماعی و اقتصادی کشور، به‌خصوص از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به بعد اتفاق افتاد، نظام شهرسازی کشور دچار تغییر شد و به همراه از هم پاشیدگی بافت‌های شهری و رواج ایده‌های هاسمانی، مفهوم محله نیز دچار تغییر و تحول شد. بی‌توجهی به ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی در شکل‌دهی به محیط شهری و الگوبرداری از برنامه‌ها و طرح‌های کشورهای غربی با مبانی ارزشی کاملاً متفاوت، سبب تغییرات گسترده‌ای در ساختار کالبدی و اجتماعی محلات تاریخی شد. الگوهایی که در عمل آنگونه که مورد نظر متخصصین بود نه به اجرا درآمد و نه کارایی لازم را داشت. مشکلات موجود در رابطه با محله‌ها را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

**تغییرات در ساختار کالبدی محله:** ورود خودرو و سهولت امکان حرکت آن در بافت‌های مسکونی باعث تخریب فضای کالبدی محلات تاریخی به ویژه مراکز محله‌ای و شکل‌گیری بافت‌های شطرنجی در محلات جدید شهری شد که در چنین بافت‌هایی قلمرو محله‌ای بسیار تضعیف گشت.

**تغییرات در ساختار اجتماعی محله:** با تغییر ساختار کالبدی و تقسیمات متمرکز محله‌ای به مجموعه‌ای از لایه‌های غیرمتمرکز و تغییرات گسترده در نظام اسکان در شهرها، شبکه‌های مختلفی از روابط اجتماعی گذرا جایگزین همبستگی‌های اجتماعی متمرکز شد.

**عدم کارایی طرح‌های توسعه شهری در شکل‌گیری محله‌ها:** تعریف اغلب برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری از قبیل طرح‌های جامع و تفصیلی از واژه "محله" همان "واحد همسایگی" غربی است، یعنی محدوده‌ای که بین چند خیابان قرار گرفته و براساس جمعیت‌پذیری محدوده، نیازهای عملکردی و خدماتی آن در مرکز فیزیکی چنین محدوده‌ای پیشنهاد می‌شود. در حالیکه در واقعیت، کاربریهای خدماتی مورد نیاز این محدوده شهری در

رابطه با خصوصیات مشترک و جمعی ادراک ساکنین از محله است و سوال دوم میزان همپوشانی محله‌ای که مردم در ذهن خود دارند (نقشه شناختی)، با محله پیشنهادی طرح‌های توسعه شهری را مورد پرسش قرار می‌دهد.

از ۲۵ سال سابقه سکونت داشتند. اعتبار تحقیق با استفاده از نظرات اصلاحی صاحب‌نظران و کارشناسان در مورد سوالات پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت و از آزمون مقدماتی پرسشنامه نیز استفاده گردید. برای پایایی تحقیق از روش آزمون-آزمون مجدد<sup>۴</sup> استفاده گردید. به این منظور نمونه کوچک تری انتخاب گردید و پرسشنامه‌ها بین آنها توزیع گردید. جواب‌های بدست آمده مانند نمونه اصلی و دارای ضریب همبستگی بالایی بود. اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها به وسیله نرم افزار EXCEL و SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

## بررسی نقش و جایگاه محله

یکی از واژه‌هایی که به عنوان محله یا محله کوچک در طرح‌های شهری کنونی از آن استفاده می‌شود، واحد همسایگی است. واحد همسایگی، در الگوهای اولیه طراحی محله‌ها و بر اساس کاربری‌های خدماتی (کاربری آموزشی دبستان) به شکل واحدی کالبدی- فضایی با قابلیت انعطاف محدودی شکل می‌گرفت. به طور مثال پری<sup>۵</sup> فاصله ۱/۴ مایل (حدود ۴۰۰ متر) از مرکز (دبستان) تا پیرامون را به عنوان فاصله مطلوب پیشنهاد داد<sup>۶</sup>، ولی عملاً (به خصوص در محدوده‌های با تراکم جمعیتی پایین) فاصله مرکز تا پیرامون بیش از ۴۰۰ متر می‌شد. پری در محله پیشنهادیش با ایجاد خدمات مشترک و جمعی، تقویت و تحکیم روابط اجتماعی را نیز مد نظر داشت (استروفسکی، ۱۳۷۱). در سال ۱۹۲۹ میلادی استاین و رایت<sup>۷</sup> در شهر جدید رادبرن<sup>۸</sup> با الگو گرفتن از محله پری، فاصله مرکز (دبستان) تا پیرامون هر محله را ۸۰۰ متر در نظر گرفته بودند تا محله بتواند جمعیت دانش آموزان مورد نیاز واحد آموزشی دبستان را فراهم نماید و به این ترتیب مساحت هر محله بسیار بزرگ‌تر از الگوی قبلی شد. در نیمه دوم قرن بیستم الگوهایی جایگزین الگوهای اولیه واحد همسایگی و محله شدند که تعاریف آنها بر اساس کاربری مشخصی در مرکز آن و یا استانداردهای مربوط به فاصله نبود، بلکه به وسیله مرکز محله و عناصر دیگری از جمله فضای عمومی مجهز به پایانه حمل و نقل، کاربری‌های ترکیبی، فضاهای شهری فعال و سرزنده تعریف می‌گردید (عینی فر، ۱۳۸۶). از آن جمله

محله‌ای که مردم آن را درک می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند با محله‌ای که طرح‌های توسعه شهری آن را پیشنهاد می‌دهند، اهمیت می‌یابد. مقاله پس از مروری اجمالی بر مبانی نظری به بررسی نمونه مطالعه، یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری پرداخته و در جستجوی پاسخ به دو سوال اصلی تحقیق است. سوال اول در

## روش تحقیق

در فرآیند تحقیق حاضر از مجموعه‌ای از روش‌ها استفاده شده است. روش تحقیق در بخش مبانی نظری، استقرایی و تحلیلی و در بررسی نمونه مطالعه و یافته‌های تحقیق، پیمایشی و تحلیلی است. روش‌های گردآوری اطلاعات شامل کتابخانه‌ای، پرسشنامه و برداشت میدانی است. نمونه مطالعاتی شامل ۶ محله از طرح تفصیلی شهر مشهد می‌باشد که امکان تحلیل را در بافت تاریخی، بافت میانی و انواع بافت‌های جدید فراهم می‌کند.<sup>۱</sup> همچنین با توجه به محله‌های انتخابی، کاربری زمین در وضعیت موجود برداشت شده و از کاربری زمین مصوب طرح تفصیلی برای هر محله استفاده شده است.

به منظور بررسی نقشه شناختی ساکنین از پرسشنامه و نقشه ذهنی استفاده شده است. نقشه ضمیمه پرسشنامه در مقیاسی مشخص برای هر ۶ محله در صفحه A4 چاپ شد و بر روی آن خیابان‌ها و میدان‌ها و شناسه‌های مهم در داخل و اطراف محله نوشته شد. موقعیت منزل هر پاسخ‌دهنده بر روی این نقشه توسط پرسشگر مشخص می‌گردید و سپس از او خواسته می‌شد مرزهای محله خود را بر روی نقشه ترسیم نماید. سوالات پرسشنامه‌ها در دو بخش اصلی، اطلاعات شخصی و مطالعات ادراکی تنظیم گردید. روش نمونه‌گیری از هر محله به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای<sup>۲</sup> بوده است. برای این منظور هر محله به چندین بلوک تقسیم گردید و از هر بلوک نیز با روش نمونه‌گیری تصادفی چند خانوار مشخص گردید. تحقیق میدانی در تابستان ۱۳۸۶ انجام شد. جامعه هدف، ساکنین با سن بیش از ۱۵ سال هر محله بودند. با توجه به حجم نمونه (در سطح اطمینان ۹۵٪) و خطای نمونه‌گیری (۱۰٪)، تعداد ۱۰۰ نمونه در هر محله در نظر گرفته شد<sup>۳</sup> و به این ترتیب در ۶ محله انتخابی تعداد ۶۰۰ پرسشنامه به همراه نقشه ضمیمه توزیع گردید. در دامنه جنسیت نمونه، ۶۷٪ مردان و ۲۲٪ را زنان تشکیل می‌دادند. در دامنه سنی نمونه ۱۴٪ بین ۱۵ تا ۲۰ سال، ۴۶٪ بین ۲۰ تا ۴۰ سال، ۲۷٪ بین ۴۰ تا ۶۰ سال و ۱۲٪ بالای ۶۰ سال بودند. در دامنه تحصیلات نمونه، ۲۸٪ سیکل و زیر سیکل، ۴۰٪ دیپلم و فوق دیپلم، ۲۰٪ لیسانس و ۲٪ دارای مدرک فوق لیسانس یا دکترا بودند. در دامنه مدت زمان سکونت در محله ۲۹٪ زیر ۵ سال، ۳۶٪ بین ۶ تا ۱۵ سال، ۱۵٪ بین ۱۶ تا ۲۵ سال و ۲۰٪ بیشتر

جدول ۱- برخی الگوهای محله در نیمه اول و دوم قرن بیستم میلادی.

منابع	نتایج	راه حل پیشنهادی	معیارهای مورد نظر	تعریف محله	الگو	
Perry 1929	- موفقیت مدل و متداول شدن در اغلب شهرهای ماصر دنیا	- تکنیک کامل سواره/ پیاده - تکنیک کارکردها - عنصر شاخص مدرسه	- رفاه اجتماعی - اهمیت به خانواده - کارایی عملکردی - اهمیت به زندگی در اجتماع محلی	محدوده ای مسکونی که بتواند جمعیت مورد نیاز واحد آموزشی دبستان را تامین کند و فاصله مرکز (دبستان) تا پیرامون بیشتر از ۴۰۰ متر نباشد.	محله پری (دهه ۱۹۲۰)	نیمه اول قرن بیستم میلادی
تنگ، ۱۳۸۱	- کاربرد در مراکز شهری - مسکن جمعی و عمومی	- تراکم زیاد - ساختمان بلند در محیط سبز - تکنیک تخصصی کارکردها	- استفاده از فن آوری جدید - برابری اجتماعی - کارایی عملکردی - شهر گرایی - کارکرد گرایی	محله در ساختمانهایی بلند مرتبه، مجهز به خدمات اولیه برای نیازهای ساکنین	محله در شهر مدرن (کنگره معماری مدرن) (دهه ۱۹۲۰)	
The Congress For The New Urbanism, 2003 عینی فر، ۱۳۸۶	- تطبیق ایده های غالب قرن بیستم با شرایط محلی - بازار پایی موفق در تجارت مسکن - توجه بیش از حد به عناصر کالبدی مورد توجه طبقات اجتماعی مرفه	- کاربری ترکیبی - افزایش تراکم - الگوی ترکیبی مسکن - رعایت معیارهای زندگی شهری - شبکه دسترسی با طراحی کلاسیک - تدوین ضوابط طراحی	- برابری اجتماعی - رفاه عمومی - پیاده محوری - اهمیت زندگی در اجتماع محلی - تاکید بر سنت های گذشته و زیبایی - طراحی هماهنگ با اتکا به ضوابط مدون	مهمترین عنصر نوسازسازی با یک مرکز قابل تشخیص و خدمات خرده فروشی تجاری، ایستگاه حمل و نقل عمومی و فاصله مرکز تا پیرامون ۵ دقیقه پیاده روی (۶۰۰ متر)	توسعه محله سنتی (TND) <sup>۱۱</sup> (دهه ۱۹۸۰)	
Cowan 2005	- سکونت مناسب و قابل قبول - خطر تقلیل الگو به عناصر طراحی صرفاً کالبدی	- سبک بومی کلاسیک - کاربری ترکیبی - افزایش نسبی تراکم - استفاده از الگوهای ترکیبی مسکن	- شهرگرایی - رفاه عمومی - برابری اجتماعی - پیاده محوری - توجه به اجتماع محلی - توجه به سنت ها - خود کفایی نسبی	بخشی از یک شهرک یا شهر با هویت متمایز شامل خانه ها و مجموعه های مسکونی با ساختمانهای ترکیبی، الویت حرکت پیاده، مرکزیت خرده فروشی تجاری	روستا- شهر <sup>۱۲</sup> (دهه ۱۹۹۰)	نیمه دوم قرن بیستم میلادی

(ماخذ: نگارندگان)

طرح بیان شده که هر واحد همسایگی یک مجتمع زیستی متشکل از حداکثر ۱۰۰۰ خانوار یا ۴ تا ۵ هزار جمعیت است، که در فضایی به شعاع ۵۰۰ متر با وسعتی در حدود ۷۵ هکتار اسکان یافته اند. این تعریف در تمام طرح های توسعه شهری ملاک عمل قرار گرفت و مبنای برنامه ریزی و طراحی نواحی مسکونی شهری گردید (سعیدنیا، ۱۳۸۵). بررسی نقش و جایگاه محلات در شرح خدمات طرح های توسعه شهری بر اهمیت محله و نظام محله بندی تاکید دارد. نگرش شرح خدمات طرح های توسعه شهری به محله مانند دیگر اجزای تقسیمات کالبدی شهر (مانند منطقه و ناحیه) است. به علت عدم تعریف صحیح از محله و واحد همسایگی و یا بیان حداقل ویژگی های مربوط به هر یک در شرح خدمات طرح های توسعه شهری، در مفهوم محله و واحد همسایگی ابهامات زیادی وجود دارد (جدول ۲).

می توان به الگوی محله در نوسازسازی<sup>۱۱</sup> اشاره کرد. در این الگو محله دارای یک مرکز (اغلب یک میدان) و کاربری های تجاری و پایانه حمل و نقل عمومی است. متفاوت با الگوی پری، واحد آموزشی دبستان در لبه های محله پیش بینی شده است به طوری که قابل استفاده سایر محلات نیز باشد (برنز و کان، ۱۳۸۷). به لحاظ نظری، از محله به عنوان کلید نوسازی شهری، مشارکت مستقیم مردم در توسعه شهری و عاملی در جهت ایجاد هویت و معنی بخشی به بافت های شهری یاد می شود<sup>۱۲</sup> (Hester, 1984; Rapoport, 2001 Alexander et al., 1977). در جدول ۱ برخی الگوهای محله در نیمه اول و دوم قرن بیستم میلادی به همراه ویژگی های آنها معرفی شده است (جدول ۱).

واژه واحد همسایگی با طرح جامع تهران در سال ۱۳۴۷ خورشیدی به طور رسمی وارد زبان شهرسازی ایران شد. در آن

جدول ۲- نقش و جایگاه محله در شرح خدمات طرح های توسعه شهری در ایران.

تووع طرح	شرح خدمات و تحولات قانونی آن	نقش و جایگاه محله	منابع
طرح جامع	- آغاز تهیه طرح های جامع برای شهرها از سال ۱۳۴۶ - دو مرحله ای شدن تهیه طرح (طرح جامع و طرح تفصیلی) در سال ۱۳۵۱ با تاسیس شوراهای شهرسازی و معماری - بازنگری در شرح خدمات قرارداد تپ ۱۲ در سال ۱۳۴۳ - تهیه طرح جامع یا رویکرد راجع به برای شهرهای بزرگ کشور از اواخر دهه هفتاد	در بخش مطالعات: بررسی نحوه توزیع خدمات محله ای و کمیونتهای آن. در بخش طرح و برنامه: اشاره به نقشه عمومی تراکم محلات. این شرح خدمات برای شهر های ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت می باشد. عملا در شهرهایی با این جمعیت، نظام محلات شهر و کمیونتها بررسی می شود ولی در شهرهای بزرگتر مطالعات، بررسی ها و پیشنهادات از مقیاس ناحیه به بالا صورت می گیرد.	قرارداد تپ ۱۲، ضمیمه ۳ و مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۸
طرح تفصیلی	- تهیه طرح های تفصیلی از ۱۳۵۱ - تجدید نظر در شرح خدمات قرار داد تپ ۱۲ در سال ۱۳۴۳	در بخش مطالعات: بررسی ویژگی های مختلف محله. در بخش تهیه طرح: بررسی نقشه های تفصیلی محلات و خدمات محلی.	قرارداد تپ ۱۲، ضمیمه ۴، شرح خدمات طرح های تفصیلی
طرح هادی	- تهیه طرح هادی با تصویب قانون از سال ۱۳۵۳ - تجدید نظر در شرح خدمات در سال ۱۳۵۸ و ۱۳۴۴ - تهیه طرح جامع برای کلیه شهرها از سال ۱۳۸۶	در مرحله اول (مطالعات و تجزیه و تحلیل) و در مرحله دوم تهیه نقشه ها و برنامه ها به محله اشاره شده است	شرح خدمات طرح های هادی
طرح جزئیات شهری	- تهیه طرح توسط شهرداری ها و دفاتر فنی استانداری ها از سال ۱۳۵۱	در بخش مطالعه و بررسی: تعیین موقعیت قطعی مراکز محلات و سایر فضاهای شهری در بخش تهیه نقشه: تهیه تمامی جزئیات شهرسازی مراکز محلات مانند خط پروژه، مناطق طولی و عرضی و اجرایی	قرارداد تپ ۱۲، ضمیمه ۵، شرح خدمات طرح های جزئیات شهر سازی
طرح های متفرقه	- همزمان با واگذاری زمین های دولتی به اقتدار بنویسن مسکن از سال ۱۳۴۴	واحد های همسایگی حداکثر تا ۲۰۰ واحد برای اراضی تا ۵۰ هکتار و ۴۰۰ واحد برای اراضی بین ۵۰ تا ۱۵۰ هکتار و ۴۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۱۵۰ هکتار مورد مطالعه و طراحی قرار گیرد.	شرح خدمات طرح های آماده سازی زمین
بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده	- قبل از انقلاب مداخلات مختلف با اسامی متفاوت - سال ۱۳۶۱ طرح های روان بخشی (طرح های اصلاح مسایل) - از سال ۱۳۷۴ با شکل کنونی سازمان عمران و بهسازی شهرسازی، متمرکز شدن فعالیت ها زیر نظر این سازمان	در عمل مطالعات و راه حل ها بر اساس محله بندی طرح های جامع و تفصیلی شهر صورت می گیرد	مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۸

(ماخذ: نگارندگان)

نمی گیرد و به جای آن فعالیت های مقیاس محلی در چندین مرکز و معمولا به صورت خطی در اطراف خیابان های محله ایجاد می شوند، که این موضوع نشان دهنده اهمیت خیابان به عنوان مکان استقرار فعالیت های خدماتی است و نه مرکز محله. یکی از دلایل اصلی عدم شکل گیری مرکز محله در توسعه های شهری، استفاده از الگوهای غربی واحد همسایگی است که با مفهوم محله در شهرهای تاریخی ایران منافات دارد، از طرف دیگر در بافت های

می توان نتیجه گرفت محله بندی در طرح های توسعه شهری ایران، به عنوان روشی جهت سازمان دهی نظام فعالیت ها در نظر گرفته می شود. اکثر محله های شهری بر اساس فضای آموزشی دبستان تعریف می گردد و کاربری های دیگر خدماتی به صورت متمرکز در اطراف دبستان مکان گزینی می شود. در بیشتر موارد، در محلات پیشنهادی طرح های توسعه شهری که دارای ساختاری تک مرکزی هستند، مرکز محله و فضاهای خدماتی همراه آن شکل

روش شناختی است (Haney & Knowles, 1978; Guest & Lee, 2001; Coulton et al., 1984).

در ارزیابی مرزهای محله در تحقیق حاضر، از قیاس بین مرزهای متکی بر تصور ساکنین از محله شان و مرزهایی که در طرح های توسعه شهری در مورد آن محله لحاظ شده، استفاده شده است. لازم به ذکر است که در برخی موارد مرزهای محلات طرح های توسعه شهری با مرزبندی شهرداری ها متفاوت است و اصولاً شهرداری ها کمتر به مقیاس محله می پردازند.<sup>۱۲</sup> علاوه بر آن بر خلاف نمونه های مطالعه شده فوق الذکر که در آنها مرکز خدمات محله ای شکل گرفته است، در اکثر نمونه های مورد مطالعه تحقیق حاضر، مرکز خدمات محله ای بر اساس طرح تفصیلی ایجاد نشده است و بنابراین با توجه به اهمیت مرکز محله به نظر می رسد، ادراک و شناخت مردم از محله را تحت تأثیر خود قرار دهد.

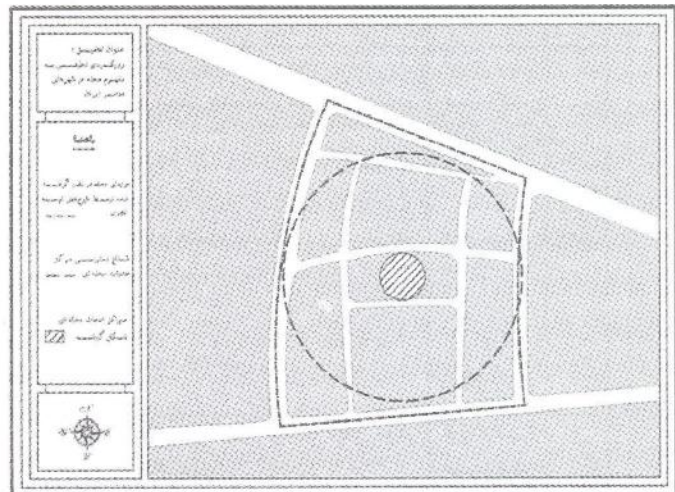
## بررسی نمونه مطالعه

شهر مشهد دارای پیشینه تاریخی طولانی است و تاکنون سابقه تهیه دو طرح جامع شهری را داشته است. طرح جامع اول مشهد در سال ۱۳۵۰ در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسید و افق طرح تا سال ۱۳۷۰ در نظر گرفته شده بود. در طرح جامع اول مشهد محله به عنوان یکی از اجزاء سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر مشخص شده بود. تهیه طرح تفصیلی شهر مشهد (طرح تفصیلی خازنی) پس از تصویب طرح جامع اول مشهد آغاز و در سال ۱۳۵۹ در کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب رسید. طرح تفصیلی برای سازماندهی نظام های مختلف در مقیاس محله (نظام دسترسی، نظام کالبدی، نظام کاربری ها و نظام تراکم ها) از همان الگوی پیشنهادی طرح جامع استفاده کرد. در این طرح هرناحیه به محلاتی تقسیم شده و با مکان یابی دقیق، کاربری های خدماتی مورد نیاز هر محله تعیین شده است.

طرح جامع دوم مشهد در سال ۱۳۷۲ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید. افق این طرح سال ۱۳۹۵ است. این طرح در مقیاس فراتر از محله است. طرح تفصیلی حاصل از این طرح نیز برای اغلب مناطق شهری در نظر گرفته نشده و هم اکنون گسترش شهر در بخش های وسیعی از شهر مشهد هنوز بر اساس طرح تفصیلی پیشین (طرح خازنی) استوار است.

**محلات انتخابی در شهر مشهد:** در یک تقسیم بندی کلی می توان بافت های مسکونی شهر مشهد را به سه بخش: بافت درونی (تاریخی)، بافت میانی و بافت جدید تقسیم بندی نمود. برای انجام تحقیق در بافت تاریخی و میانی هر کدام یک محله انتخاب گردید. به علت آنکه دو محله انتخابی نسبت به محلات دیگر در بافت تاریخی و میانی شهر ساختار کالبدی-فضایی و

موجود و متراکم شهری امکان شکل گیری مراکز خدمات محله ای طبق طرح های توسعه شهری ضعیف است (تصویر ۱). به نظر می رسد تعریف محله و نحوه شکل گیری آن بسیار پیچیده تر از آن است که بتوان محله را با چند معیار کمی مانند جمعیت، مساحت و یا وجود یک کاربری خدماتی شاخص آنگونه که در طرح ها و برنامه های فعلی ما تعریف می گردد، مشخص کرد.



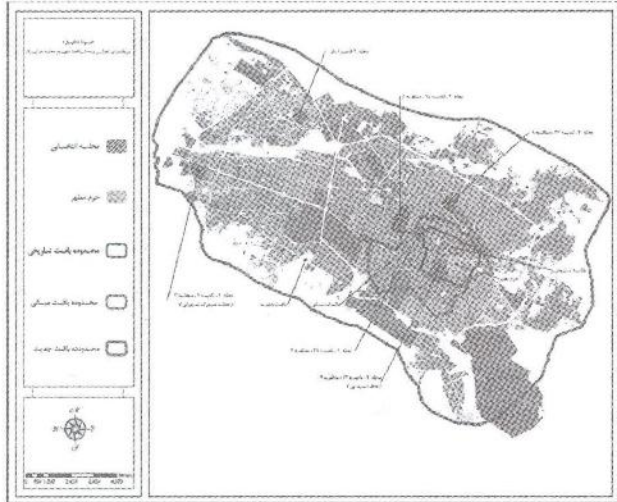
تصویر ۱- الگوی پیشنهادی محله در طرح های توسعه شهری، در چنین الگویی محله با خیابان های اطراف، مرکز خدمات محله ای و شعاع مشخصی از مرکز تعریف می شود. (ماخذ: نگارندگان)

## نقش و جایگاه محله در فرآیند ادراک و تصویر ذهنی مردم

مطالعات انجام شده در کشورهای غربی نشان می دهد دو عامل در هم تنیده فضای کالبدی و فضای اجتماعی نقش تعیین کننده ای در تعریف ساکنین از محله دارد و ساکنین در تعریف محله شان ممکن است بر یکی از این دو عامل متمرکز شوند (Chaskin, 1995). ساکنینی که محله را فضایی اجتماعی می بینند بیشتر متمایل به توصیف محله خود به عنوان واحد و قلمروی کوچک تر از قلمرو مدیریتی محله اند که به وسیله فعالیت شهرداری ها و سازمان های اداری مشخص شده است. همچنین به تفاوت های نقشه شناختی ساکنین از قلمرو و مرزهای محله با متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، نژاد، سطح آموزش، مدت اقامت، شاغل یا غیرشاغل بودن، موقعیت محله در شهر و میزان تراکم جمعیتی اشاره دارند<sup>۱۱</sup> (Guest & Lee, 1984).

مرزهای قلمرو محله در نقشه شناختی ساکنین متفاوت است. در بعضی مواقع عناصر کالبدی مانند راه ها و در مواردی تمایزات اجتماعی نقش مرزهای کالبدی و یا ذهنی محله را بر عهده دارند. در نهایت بررسی ها نشان می دهند که نتایج تحقیقات در این زمینه قابلیت تعمیم چندانی ندارد و مطالعات هنوز در مراحل

ناحیه ۱۸ منطقه ۸، محله ۹ قاسم آباد، و محله ۱ از ناحیه ۴ منطقه ۳ (شهرک شهربانی) در نظر گرفته شد. در تصاویر شماره ۲ و ۳ موقعیت و ویژگی های آنها نشان داده شده است.



تصویر ۲- موقعیت محلات انتخابی در شهر مشهد. ماخذ: (بر اساس نقشه طرح تفصیلی شهر مشهد ۱۳۵۹ و سازمان آمار خراسان رضوی ۱۳۸۵)

ساختار اجتماعی خود را تا حدود بیشتری حفظ کرده اند، ولی انواع متفاوت بافت جدید و عوامل گوناگون در شکل گیری آن، موجب شد تا محلاتی از بافت جدید انتخاب شوند که حداقل یکی از ۴ معیار زیر در مورد آنها صدق کند:

- محله ای با یک هسته تاریخی (وجود سکونتگاهی از قدیم در محل شکل گیری محله جدید)
- تحقق کاربری های پیشنهادی طرح های توسعه شهری در محله
- عدم تحقق کاربری های پیشنهادی طرح های توسعه شهری در محله
- محله ای که توسعه و فراهم سازی خدمات اصلی آن توسط نهادهای قانونی انجام می شود و سپس به تدریج زمین مسکونی برای ساخت به مردم واگذار می شود (محله ای از طرح های آماده سازی زمین).
- مرزهای محلات انتخابی همان محدوده ای است که در طرح تفصیلی برای مرزهای محله در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب در بافت تاریخی محله ۴ از ناحیه ۲۳ منطقه ۷ (محله سرشور)، در بافت میانی محله ۱ از ناحیه ۲۲ منطقه ۷ (محله سعدآباد) و در بافت جدید چهار محله: محله ۱ از ناحیه ۲۶ منطقه ۸ (محله سمرقند)، محله ۲ از



تصویر ۳- ویژگی ها و نقشه وضع موجود کاربری زمین در ۶ محله انتخابی. ماخذ: (سازمان آمار خراسان رضوی ۱۳۸۵ و برداشت میدانی نگارندگان)

## یافته‌های تحقیق

برای مشخص کردن اینکه در حال حاضر واژه محله برای مردم چه معنایی دارد و دریافت ادراک جمعی و توافق نظر در مورد ویژگی‌های محله‌ای که ساکنین در آن زندگی می‌کنند، سوالات زیر در پرسشنامه مطرح شد: (۱) آیا احساس می‌کنید در یک محله زندگی می‌کنید؟ (۲) نام محله شما چیست؟ (۳) مرکز محله شما کجاست؟ (۴) مهم‌ترین شناسه مکانی محله شما چیست (محله خود را چگونه می‌شناسید)؟ (۵) قلمرو محله شما کجاست؟ توضیح آنکه پاسخ سوال اول به صورت (بله) یا (خیر) در نظر گرفته شده بود. پاسخ سوال ۵ از نقشه شناختی استفاده گردید و پاسخ سایر سوالات در پرسشنامه قید شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌دهندگان سعی می‌کنند محل زندگی خود را در قالب یک قلمرو محله‌ای تعریف کنند و به این ترتیب خود را به یک مکان خاص پیوند زنند. در دو محله شهرک شهربانی و سرشور مفهوم زندگی در یک محله نسبت به سایر محلات قوی‌تر است. این موضوع به دلیل هویت خاص این دو محله به لحاظ اجتماعی و کالبدی است که در اولی همبستگی اجتماعی بین ساکنین و در دومی قدمت تاریخی شاخص است.

در مورد نام محله به جز در محله شهرک شهربانی، مقدار نما<sup>۱۳</sup> در محلات دیگر کم و نسبت تغییر زیاد<sup>۱۴</sup> است، بنابراین تشتت آراء در زمینه نام محله در بین ساکنین محلات دیده می‌شود. در محله شهرک شهربانی، نما ۷۰ درصد است که تنها محله‌ای است که اشتراک و توافق جمعی در مورد نام محله در آن وجود دارد. لازم به ذکر است در محلات مورد مطالعه افرادی که در نزدیک هم زندگی می‌کردند، توافق

بیشتری در نام محله شان داشتند.

در مورد سوال سوم نتایج نشان می‌دهد که در بیشتر محلات مقدار نما کم و نسبت تغییر زیاد و در نتیجه تشتت آراء در زمینه وجود یا عدم وجود مرکز محله دیده می‌شود. در محله شهرک شهربانی مقدار نما ۷۳ درصد است که اتفاق نظر در مورد مرکز محله وجود دارد و مرکز محله مترادف با مرکز تجاری دانسته شده است.

در پاسخ به ذکر شناسه مکانی محله، بیشترین درصد پاسخ‌ها مربوط به محله شهرک شهربانی است که در آن توافق جمعی در مورد مهم‌ترین شناسه مکانی محله وجود داشت. چرا که پاسخ‌دهندگان با مقدار نما حدود ۵۶ درصد به بازار تجاری اشاره کرده بودند. جدول ۳ درصد و نظریات ساکنین را در محلات مورد مطالعه نشان می‌دهد. می‌توان چنین نتیجه گرفت که با همه تغییراتی که در ساختار فضایی شهرها نسبت به گذشته انجام شده، محله نقش و جایگاه خود را در تصویر ذهنی مردم دارد. مردم محله را مکانی می‌دانند که بعد از خانه، مهم‌ترین شکل مکان زندگی‌شان می‌باشد و رویکردی احساسی نسبت به آن دارند.

در بافت‌های جدید، واحد همسایگی غربی تعریف شده است و به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی توجهی نشده است. بنابراین با نگرش طرح‌های توسعه شهری مفهوم اجتماعی محله معنا پیدا نمی‌کند. مفهوم کالبدی-فضایی محله پیشنهادی طرح‌های توسعه شهری نیز با عدم شکل‌گیری مرکز محلات و عدم توجه به مکان و استفاده از الگوهای کلیشه‌ای و یکنواخت معنایی نمی‌یابد و بر همین اساس مشاهده می‌گردد که پاسخ‌های ساکنین بیشتر فردی است تا جمعی. در مورد سوال شماره ۵ یعنی قلمروی محله، از سوال‌شوندگان خواسته شد تا قلمروی محله‌ای را که در ذهن دارند در روی نقشه ضمیمه پرسش‌نامه مشخص کنند. پاسخ‌های داده شده بسیار

جدول ۳- درصد و نظریات ساکنین در ۶ محله مشهد.

جدید				مبانی	تاریخی	نوع بافت
محله ۱، ناحیه ۴، منطقه ۳ (شهرک شهربانی)	محله ۹ فاسم آباد	محله ۲، ناحیه ۱۸، منطقه ۸	محله ۱، ناحیه ۲۶، منطقه ۸ (محله سمرقند)	محله ۱، ناحیه ۲۲، منطقه ۷ (محله سعدآباد)	محله ۴، ناحیه ۲۳، منطقه ۷ (محله سرشور)	نام محله  متغیرها
٪۹۰	٪۸۰	٪۷۲	٪۷۵	٪۷۹	٪۸۲	پاسخ مثبت به احساس زندگی در یک محله
٪۷۰ (شهرک شهربانی)	٪۲۰ (حجلب)	٪۲۵.۵ (تروج)	٪۲۲.۲ (سمرقند)	٪۱۷.۶ (سعدآباد)	٪۳۵.۸ (سرشور)	بیشترین توافق در نام محله
٪۷۳.۳ مرکز تجاری	٪۲۶.۶۶ ندارد	٪۲۲.۷۲ ندارد	٪۲۲ سمرقند	٪۴۵.۸۸ ندارد	٪۴۳.۱۵ بازار سرشور	بیشترین توافق در مرکز محله
٪۸۶ بازار تجاری	٪۳۲ مساجد	٪۳۱ مساجد	٪۱۹ روستای سمرقند	٪۲۱ بیمارستان شیخ	٪۲۶.۳ بازار سرشور	بیشترین توافق در شناسه مکانی محله

(ماخذ: نگارندگان)



توسعه آن توسط یک نهاد مشخص انجام شده است، کاربری های خدماتی محله ای در مکان پیش بینی شده احداث شده است.

به طور کلی یافته های تحقیق نشان می دهد که مفهوم اجتماعی به صورت همبستگی اجتماعی فقط در یک محله از ۶ محله انتخابی (محله شهرک شهربانی) وجود دارد که در این محله مرکز محله ای مشخص نیز وجود دارد. علاوه بر آن در مقایسه با سایر محلات تطابق بیشتری بین قلمروی محله ای که مردم تصور می کنند با قلمرو محله قراردادی در طرح تفصیلی وجود دارد (۱۳.۳۸٪) در محله سرشور نیز محله بیشتر به صورت کالبدی- فضائی تعریف می شود (گذر تاریخی سرشور به عنوان مرکز محله ای فعال) و بعد از شهرک شهربانی بیشترین تطابق در مورد قلمروی محله ای ذهنی مردم با طرح تفصیلی وجود دارد (۴.۲۳٪)، در بقیه محلات ویژگی خاص اجتماعی و کالبدی- فضائی هویت دهنده به محله وجود ندارد و ادراک مردم از محله نیز ضعیف است. در چنین حالتی به لحاظ مفهوم اجتماعی، محله به صورت روابط اجتماعی افراد با هم به خصوص در سطح مساجد محله، و به لحاظ کالبدی- فضائی به صورت نزدیکترین مرکز فعالیتی تعریف می شود. با توجه به اینکه مساجد و مراکز متعدد محله ای در قلمرو محلات طرح تفصیلی شکل گرفته و مرکز محله پیشنهادی طرح تفصیلی نیز شکل نگرفته است، از نظر ساکنین محدوده بسیار کوچک تری از طرح تفصیلی به عنوان محله ادراک و تعریف می شود.

محله مفهومی اجتماعی و کالبدی- فضایی است که هر دو این مفاهیم در تعریف آن نقش دارند. ابعاد کالبدی و اجتماعی محله رابطه پویایی با یکدیگر دارند. ویژگی های کالبدی محله با توجه به ویژگی های متفاوت اجتماعی شکل می گیرد و فرم کالبدی محله می تواند بر ادراک جمعی ساکنین از محله تاثیر گذار باشد. مفهوم

متفاوت بود، این موضوع در همه محلات مورد مطالعه یعنی بافت تاریخی، میانی و جدید دیده می شود. تمایل به ترسیم قلمرویی که در آن منزل شخص در مرکز آن وجود دارد نیز قابل ذکر است.

برای مشخص کردن اینکه آیا تصویر ذهنی که مردم از مرزهای محله زندگی شان دارند، قابل تطبیق با مرزهای محله ای که طرح های توسعه شهری در نظر می گیرند، می باشد از نقشه شناختی ساکنین و مقایسه آن با مرزهای محله پیشنهادی طرح تفصیلی استفاده شد. برای این منظور، درصد مساحت قلمروی محله که توسط پاسخ دهنده تعیین شده بود نسبت به کل محله قراردادی در طرح (که مرزهای آن همان مرزهای طرح تفصیلی بود) محاسبه گردید سپس میانگین کلیه این سطوح محاسبه شد (جدول ۴).

نتایج این جدول نشان می دهد که به جز در محله شهرک شهربانی که میانگین محدوده ای که پاسخ دهندگان تعیین کرده بودند، حدود ۴۰ درصد مساحت محله طرح تفصیلی را پوشش می دهد، در بقیه محلات کمتر از یک چهارم مساحت محله به عنوان قلمرو محله تعیین شده است.

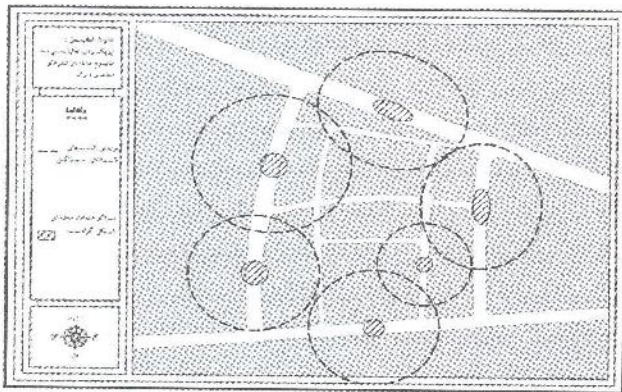
برای مشخص کردن اینکه آیا در حال حاضر مرکز محله و خدمات وابسته به آن طبق طرح های تفصیلی، در مکان پیش بینی شده اتفاق می افتد، نقشه کاربری زمین در وضع موجود برداشت شد و با پیشنهادات طرح تفصیلی مقایسه گردید. در اکثر موارد کاربری های خدماتی پیشنهادی طرح تفصیلی در محلات مورد بررسی در مکان پیش بینی شده محقق نشده بود و کاربری های خدماتی یا شکل نگرفته و یا به صورت خطی در کنار خیابان های داخل یا اطراف محله ایجاد شده بودند. تنها در یک مورد یعنی محله شهرک شهربانی که

جدول ۴- مقایسه نظریات مردم در مورد قلمرو محله ای و مقایسه آن با طرح تفصیلی در ۶ محله مشهد.

نوع محله	میانگین		انحراف		میانگین		نوع محله
	مساحت	نسبت	مساحت	نسبت	مساحت	نسبت	
شهرک شهربانی	۲۸	۳۲	۷۸	۴۲	۲۸.۸	۷۶	مساحت محله در طرح تفصیلی (هکتار)
شهرک سرشور	۱۲	۵.۴۴	۱۶.۰۸	۷.۱۴	۲.۵۲	۱۷.۴۸	میانگین (M) مساحت نقشه شناختی ساکنین (هکتار)
شهرک کالبدی	۴.۸۴	۳.۶	۱۶.۹۰	۷.۲۶	۳.۹۴	۲۳.۱۴۸	انحراف معیار (S.D.) مساحت نقشه شناختی ساکنین
شهرک کالبدی	٪۳۸.۱۳	٪۱۷.۰۲	٪۲۱.۰۵	٪۱۷.۳۸	٪۱۰.۷۹	٪۲۳.۴	میانگین درصد پوشش نقشه شناختی نسبت به مساحت محله در طرح تفصیلی

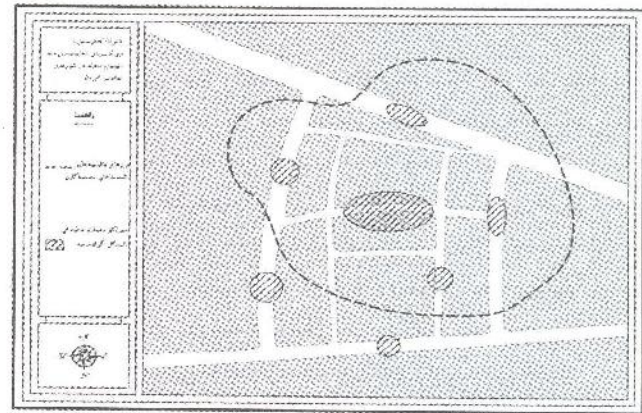
(ماخذ: نگارندگان)

معنا می‌یابد. در این میان مرکز محله نقش بسیار مهمی در ادراک ساکنین از محله بر عهده دارد. محله‌ای که دارای مرکز و هسته تاریخی باشد، روستایی که به علت گسترش شهری در داخل محدوده شهر قرار گرفته و هسته اولیه ایجاد یک محله شهری شده است و یا محله‌ای که دارای مرکزی قوی و منسجم و یا دارای مرزهای مشخصی باشد، مفهوم قوی تری از محله را در ادراک ساکنین به وجود می‌آورد. در برخی محلات عامل کالبدی- فضایی ضعیف‌تر است. به‌طور نمونه مرکز محله، به صورت مجموعه‌ای از فعالیت‌های مقیاس محلی به اطراف خیابان‌های محله منتقل شده است. در چنین حالتی ساکنین محله را با نزدیک‌ترین مرکز فعالیتی و بر اساس خیابان‌های محله‌ای تعریف می‌کنند که این به نوعی ابتدایی‌ترین تعریف از محله است. مسلماً در چنین حالتی مفهومی ضعیف‌تر از محله نیز در ادراک ساکنین شکل می‌گیرد (تصویر ۵). در چنین الگویی محله بر اساس نزدیک‌ترین مرکز فعالیتی که اغلب در یکی از خیابان‌های محله شکل می‌گیرد، تعریف می‌شود و در این میان مساجد محلی نقش مهمی دارند.



تصویر ۵- الگویی از مرکزیت محله بدون وجود مفهوم همبستگی اجتماعی. (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی محله به صورت ارتباطات و تعاملات اجتماعی ساکنین در مکانی مشخص شکل می‌گیرد. در بعضی محلات تعامل اجتماعی قوی بین ساکنین به صورت همبستگی و اتحاد اجتماعی وجود دارد. عوامل اجتماعی مختلفی مانند نژاد، دین، خاستگاه مشترک، نوع فعالیت از عوامل مهم در ایجاد همبستگی اجتماعی اند، و تنها در چنین صورتی است که مفهومی قوی از محله شکل می‌گیرد (تصویر ۴). در برخی محلات (بیشتر محلات مسکونی جدید) تعامل اجتماعی ساکنین ضعیف‌تر است و بیشتر به صورت روابط اجتماعی و آشنائی افراد با هم به خصوص در سطح مساجد محله و مراکز فعالیت محله‌ای شکل می‌گیرد.



تصویر ۴- الگویی از نقشه شناختی ساکنین از محله با وجود همبستگی اجتماعی بین آنها. (ماخذ: نگارندگان)

در چنین الگویی مفهومی قوی از محله در ادراک ساکنین شکل می‌گیرد، قلمرو محله فارغ از مراکز فعالیتی است و مفهوم کالبدی- فضایی محله به صورت مجموعه‌ای از عوامل کالبدی از قبیل ویژگی‌های بافت، مرکز محله، مرزهای محله و شناسه‌های مهم محله

## نتیجه

نقش دارند و در بافت مرکزی شهرها به علت تمرکز فعالیت‌ها می‌توان مراکز خدمات محله‌ای بیشتری را در فاصله نزدیک‌تر به یکدیگر پیدا کرد و در بافت‌های حومه‌ای معمولاً مراکز فعالیت‌های محله‌ای دورتر از یکدیگر قرار گرفته‌اند ولی ساختار اجتماعی و عوامل کالبدی- فضایی دیگری نیز وجود دارند که هویت دهنده به محله بوده و در بزرگی یا کوچکی قلمرو محله ادراک شده توسط ساکنین تأثیر گذار است. این عوامل بسته به ویژگی‌های مکانی متفاوت است و به همین دلیل، قلمرو محله ادراک شده توسط مردم نیز بسیار متفاوت است. بنابراین نظریه هنی و نولز را نمی‌توان در همه مکان‌ها تعمیم داد.

در دستاوردهای روش شناختی تحقیق می‌توان به تدقیق روش این مطالعه در قیاس با مطالعات پیشین اشاره کرد. مطالعات قبلی از جمله در مطالعه هنی و کالتن که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، ویژگی‌های مختلف بافت‌های محله‌ای، نحوه گسترش شهر و تأثیر آن در شکل‌گیری محلات مورد ملاحظه قرار نگرفته است. در حالی که در

تحقیق حاضر کاربرد بسیاری از الگوها و تعاریف مطرح در مورد محله و واحد همسایگی در مبانی نظری دانش شهرسازی را مورد بازنگری و تجدید نظر قرار می‌دهد. بسیاری از الگوهای محله‌ای در شرایط اجتماعی و اقتصادی شهرهای کشور و به خصوص در بافت‌های پر شهری جنبه عملی و اجرایی را ندارند. تحقیق حاضر نتایج تحقیق‌لی در مورد ساختار ذهنی ساکنین از محله (Lee, 1968) که محله را طرح‌واره‌ای اجتماعی، کالبدی و فضایی می‌داند و نیز تحقیق کالتن در مورد اندازه محله (Coultan et al., 2001) که محله ذهنی ساکنین را قابل تطبیق با محلات تعریف شده توسط شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌ها نمی‌داند را تأیید می‌نماید. ولی نتایج تحقیق، مطالعه هنی و نولز (Haney & Knowles, 1978) را به طور مطلق مورد تأیید قرار نمی‌دهد. آنها معتقدند، مردمی که در محلات حومه و حاشیه شهر زندگی می‌کنند، قلمرو محله را بزرگتر از محلات مرکز شهر ادراک می‌کنند. اگرچه مراکز خدمات محله‌ای در ادراک مردم از محله شان

تحقیق حاضر ۶ محله مختلف با ویژگی‌های متفاوت کالبدی، تاریخی و اجتماعی و مقایسه آنها با یکدیگر امکان تحلیل‌های گسترده‌تری را فراهم نمود. علاوه بر آن در مطالعات انجام شده قبلی از جمله در مطالعه کالتن فقط از نقشه‌های شناختی ترسیم شده توسط ساکنین برای شناسایی ویژگی‌های مختلف محله استفاده شده است. چنین روشی نمی‌تواند از دقت کافی برخوردار باشد، به دلیل آنکه در بسیاری از موارد مردم آشنایی کاملی با خواندن نقشه ندارند. در جمع‌آوری اطلاعات تحقیق حاضر هم از روش توزیع پرسشنامه و هم استفاده از نقشه‌های ذهنی ساکنین استفاده گردید. با این حال توصیه می‌شود در تحقیقات آتی، بعضی سوالات پرسشنامه به صورت باز در نظر گرفته شود و نظرات مردم از محله‌شان پرسیده شود یا مصاحبه‌ای به صورت نیمه ساختاری با ساکنین به منظور به دست آوردن اطلاعات تکمیلی در نظر گرفته شود.

به لحاظ عملی و کاربردی، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محله ادراکی مردم کاملاً متفاوت با محلاتی است که طرح‌های توسعه شهری آن را تعریف می‌کنند. از نظر مردم محله قلمرویی مسکونی است که با مفاهیم اجتماعی و مکانی تعریف می‌شود در حالی که از نظر طرح‌های توسعه شهری، محله مفهومی فضایی است و با مرزهایی مشخص تعریف می‌گردد. برای ایجاد تطابق بیشتر بین ادراک مردم و طرح‌های شهری می‌توان با توجه به ویژگی‌های بافت موارد زیر را در تهیه طرح‌ها مد نظر قرار داد:

- ۱- تأکید بر نقش و جایگاه محله در بافت‌های پر شهری: در بافت‌های پر شهری و در طرح‌های ساماندهی محلات باید عوامل اجتماعی، کالبدی، تاریخی هویت دهنده به محله شناسایی گردد و بر اساس آن نظام محله بندی تعیین گردد. در بعضی محلات مسکونی عامل اجتماعی به صورت همبستگی اجتماعی بین ساکنین دیده می‌شود که غالباً چنین محلاتی ساختار کالبدی-فضایی مشخصی نیز دارند. در چنین حالتی نظام محله بندی باید بر اساس ساختار

اجتماعی و فرهنگی انجام گیرد. لازم است در طرح‌های تفصیلی و طرح‌های بافت قدیم، با تأکید بر مراکز فعالیتی موجود، محله بندی‌ها انجام گیرد. به این ترتیب هر محله می‌تواند به چندین محله کوچکتر تقسیم گردد. ایجاد مدیریت محله‌ای و واگذار کردن بعضی امور محله به چنین مدیریتی به تقویت مرزهای محله و تصویر ذهنی مردم و مشارکت آنها کمک کرده و به تدریج هویت محله‌ای شکل خواهد گرفت.

۲- ایجاد محله در گسترش‌های شهری جدید: در گسترش‌های شهری جدید عوامل اجتماعی مانند تعلق افراد به یک سازمان و نهاد اداری که به شکل فعالیت‌های تعاونی‌های مسکن در ساخت فضاهای مسکونی برای اعضاء خود ظاهر می‌شود می‌تواند زمینه ساز ایجاد همبستگی‌های اجتماعی گردند. اگر در گسترش‌های شهری جدید عامل اجتماعی برای پیوند میان افراد به صورت بالقوه وجود ندارد، باید این پیوند بر اساس علائق و منافع مشترک افراد در یک مکان شکل گیرد. تأکید بر احداث و شکل‌گیری مرکز محله برای رفع نیازهای روزمره اهالی و به خصوص مسجد محله می‌تواند به تقویت ارتباطات و تعاملات اجتماعی در بین ساکنین منجر گردد. بنابراین در گسترش‌های شهری جدید می‌توان از نظام تک مرکزی برای تعریف محله استفاده کرد ولی باید اقدامات مدیریتی جهت شکل‌گیری مرکز محله اعمال شود. در محلات تک مرکزی می‌توان از فضای مسجد به عنوان عنصر شاخص محله استفاده کرد<sup>۱۵</sup>. چنین عاملی در انعطاف پذیری جمعیت و ابعاد محله و شکل‌گیری کاربری‌های مورد نیاز جمعیت ساکن محله کمک می‌نماید. توصیه می‌شود فضاهای آموزشی در مرز محلات جانمایی شود. استفاده از ساختار تک مرکزی در محلات ابعاد محله را محدود می‌سازد و زمینه ساز ادراک جمعی از محله، تقویت احساس تعلق به محله و هویت محله‌ای می‌شود.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱ برای ویژگی محلات انتخابی به قسمت بررسی نمونه مورد مطالعه مراجعه شود.
- ۲ Cluster Sampling.
- ۳ برای تعیین حجم نمونه در تحقیقات پیمایشی به دواس، ۱۳۸۲، ص ۷۸ مراجعه کنید.
- ۴ Test-retest method.
- ۵ C.A. Perry.
- ۶ از نظر پری، چنین فاصله‌ای بین مرکز و مرزهای محله، فاصله قابل دسترس پیاده‌ها می‌باشد.
- ۷ C. Stein and H. Wright.
- ۸ Rodburn
- ۹ New Urbanism
- ۱۰ برای نقشهای مختلف محله شهری و همچنین انتقادات به طراحی الگوهای مختلف محله به ثقة الاسلامی، ۱۳۸۷، فصل چهارم مراجعه کنید.
- ۱۱ به طور نمونه مطالعه‌ای در آمریکا نشان می‌دهد جواب دهندگان آمریکایی آفریقایی تبار بیشتر از سفیدها متمایل بودند تا بر جهات اجتماعی تأکید کنند. همچنین این موضوع برای مردم مسن، بیکار، ازدواج کرده و ساکنین با مدت اقامت زیاد درست بود. چنین گروه‌هایی محدوده کوچکتری را به عنوان محله‌شان تعریف می‌کنند (Lee and Campbell, 1997).
- ۱۲ پیشرفت زیادی در چند سال اخیر و در شهرهای بزرگ کشور با سازماندهی شورا یاری محلات به وجود آمده ولی تا تحقق کامل محله محوری زمان زیادی در پیش خواهد بود.
- ۱۳ Mode

Variation ratio ۱۴

۱۵ در گذشته نیز با توجه به تاثیر فرهنگ اسلامی در فرم شهرهای ایران، مسجد به عنوان عنصر اصلی و محور فعالیتها چه در مقیاس شهر و چه در مقیاس محلات شهری ایفای نقش نموده است.

## فهرست منابع:

- استروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۱)، شهرسازی معاصر، از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن، ترجمه لادن اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، ویژگی های شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم انسانی، دوره اول، شماره ۴، دانشگاه تهران، تهران.
- باصری، عنایت اله (۱۳۷۷)، بررسی روشها و معیارهای تعیین محدوده محلات شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد (برنامه ریزی شهری)، دانشگاه تهران، تهران.
- برنز کارول جی. و آندریا کان (۱۳۸۷)، موضوعات سبایت، مفاهیم طراحی، سوابق طراحی و راهبردها، ترجمه دکتر بهناز امین زاده، دانشگاه تهران، تهران.
- توسلی، محمود (۱۳۷۶)، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- ثقه الاسلامی، عمیدالاسلام (۱۳۸۷)، رویکردی تحلیلی به مفهوم محله در شهرهای معاصر ایران، رساله دکترای شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲)، چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۳، دانشگاه تهران، تهران.
- دفتر فنی همکاری مهندسان مشاور (۱۳۵۹)، طرح تفصیلی شهر مشهد، سازمان مسکن و شهرسازی خراسان، مشهد.
- دلال پور محمدی، محمد رضا (۱۳۷۷)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز.
- دواس بدی ای (۱۳۸۳)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، نشر نی، تهران.
- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۱)، برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، دانشگاه یزد، یزد.
- سازمان آمار خراسان رضوی (۱۳۸۵)، بلوک بندی جمعیتی شهر مشهد، مشهد.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۰)، شرح خدمات قرارداد تیپ ۱۲، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
- سعید نیا، احمد (۱۳۸۵)، کتاب سبز راهنمای شهرداری ها (نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی)، سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۷)، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، امیر کبیر، تهران.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۷۳)، در جستجوی سنتهای فرهنگی در محلات مسکونی جدید، در مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، تراکم در شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران.
- عینی فر، علیرضا (۱۳۸۶)، نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله های مسکونی معاصر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲، دانشگاه تهران، تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.
- لینچ کوکین (۱۳۷۴)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور (۱۳۷۸)، شیوه های تحقق طرحهای توسعه شهری، سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۵۵)، خلاصه طرح جامع مشهد، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

Alexander, C. (1965), A city is not a tree, *Architectural Forum*, Vol.122, No.1.

Alexander, C., S., Ishikawa and M., Silverstein (1977), *A Pattern Language : Towns, Buildings, construction*, Oxford University Press, New York.

Chaskin, R. (1995), *Defining Neighborhood: History, Theory and Practice*, University of Chicago.

Coulton, C., J., Korb, T., Chan and M. Su (2001), "Mapping Residents' Perception of Neighborhood Boundaries :A methodological note", *American Journal of Community Psychology*, Vol. 29, No.2. pp.371-383.

Cowan, R.(2005), *The Dictionary of Urbanism*, Streetwise Press, London.

Guest, A. M. and B.A. Lee (1984), How urbanites define their neighborhoods, *Population and Environment*, Vol. 7, No.1.pp.32-56.

Haney, W. G. and E.C. Knowles (1978), Perception of Neighborhood by city and suburban residents, *Human Ecology*, Vol.6, No.2, pp.201-214.

Hester, R. T. (1984), *Planning Neighborhood Space with People*, University of California, Berkeley.

Lee, T. (1968), Urban neighborhood as a socio-spatial schema, *Human Relations*, Vol.21, No.3. pp.241-267.

Lee, B. A. and K.E., Campbell (1997), Common Ground? Urban neighborhoods as survey respondents see them, *Social Science Quarterly*, Vol.78, No.4, pp.922-936.

Perry, C.,A.(1929), "The Neighborhood Unit", In D. Watson et al.(2000), *Time-Saver Standards for Urban Design*, Mc Graw Hill Pub., New York.

Rapoport, A.(2001), *The role of neighborhoods in the success of cities*, paper presented at the WSE symposium "Defining success of the city", Berlin.

The Congress For The New Urbanism(2003), *Charter of The New Urbanism*. <http://www.newurbanism.com/charter.html>